

هیئت مدیره‌ی موقت شرکت ملی نفت ایران وقانون خلع ید، به روایت اسناد

محمود طاهر احمدی



حسابداران قسم خورده (۵) و مهندس همایونفر و دکتر طاهر ضیایی، با هیئت همراه بودند. پس از تعیین هیئت مدیره، دکتر حسابی جهت قبول مسئولیت، درخواست اختیارات ویژه ای برای خود کرد، ولی تقاضایش پذیرفته نشد و او نیز استعفا داد. از این رو به پیشنهاد مهندس حسینی به جای وی، مهندس مهدی بازرگان، رئیس دانشکده ی فنی برگزیده شد و ریاست هیئت مدیره ی موقت به عهده ی او واگذار گردید. (۶) مهندس بازرگان، در خاطرات خود به عللی که باعث شد وی را برای تصدی ریاست هیئت مدیره برگزینند، اشاراتی کرده (۷) و در نامه ای هم که در چهارم مهر ۱۳۳۰ به دکتر علی اکبر سیاسی، رئیس دانشگاه تهران نوشته، سبب طولانی شدن همکاری خود را با هیئت مدیره شرح داده است. اما افزون بر این مطالب، می توان از لابه لای جمله ها و عبارتهای رسمی همین نامه، به قانونگرایی و مسئولیت پذیری او پی برد و شوق و شورش را در خدمت به ایران و ایرانی دید. (۸) مهندس بازرگان، پس از دیدار با دکتر مصدق به دیگر اعضای هیئت مدیره پیوست و در هجدهم خرداد با آنان رهسپار خوزستان شد. (۹)

اعضای هیئت مدیره، موظف بودند مواد ششگانه ای را که نخست وزیر در نامه ی زیر برای آنها نوشته بود، به اجرا در آورند:

نخست وزیر، شماره ی ۹۱۷/۴، [مورخ ۱۳۳۰/۳/۱۶]

هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران

بدین وسیله مواد ششگانه ی ذیل ابلاغ می گردد که از طرف آن هیئت، با نظارت نمایندگان هیئت مختلط به موقع اجرا گذاشته شود:

۱- برای اجرای ماده ی ۲ قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت و اداره ی موقت شرکت ملی نفت ایران، هیئتی مرکب از سه نفر به عنوان هیئت مدیره ی موقت از طرف دولت انتخاب می شوند که با نظارت هیئت مختلط، انجام وظیفه نمایند.

۲- هیئت مزبور، دارای کلیه ی اختیارات لازم برای اداره ی امور شرکت اعم از اکتشاف و استخراج و تصفیه و توزیع و فروش و بهره برداری خواهد بود. ۳- مادام که اساسنامه ی شرکت ملی نفت ایران به تصویب نرسیده است، ملاک عمل هیئت مدیره ی موقت، مقررات شرکت سابق نفت - جز آنچه که با قانون ملی شدن نفت مغایرت داشته باشد - می باشد.

۴- کارشناسان و کارمندان و کارگران ایرانی و خارجه ی شرکت سابق نفت، کماکان به خدمت خود باقی و از این تاریخ، مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته می شوند.

۵- هیئت مدیره ی موقت، باید نهایت دقت و سعی را در اجرای برنامه های موجود و افزایش محصولات نفتی به عمل آورد؛ به طوری که میزان استخراج و بهره برداری از میزان فعلی بیش تر شود.

۶- برای اینکه نرخ عادلانه ی بین المللی تعیین و ضمناً در امر صادرات نفت وقفه و مضیقه ای حاصل نشود، هیئت مدیره ی موقت، مکلف است به محض ورود به خوزستان، اعلانی در ایران و خارجه منتشر نماید؛ بدین مضمون که در ظرف مدت یک ماه طبق برنامه ی موجود شرکت سابق نفت، در مقابل اخذ رسید به خریداران سابق، مواد نفتی داده خواهد شد. خریداران، در این مدت مکلفند به دفتر هیئت مدیره ی موقت مراجعه نموده، ترتیب پرداخت قیمت مواد نفتی را - که در مدت مذکوره برده اند - بدهند و همچنین برای احراز حقوق مذکوره در ماده ی هفت قانون نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ و ترتیب خرید و فروش نفت در آتیه، موافقت هیئت مدیره را جلب نمایند.

در نهم اردیبهشت ۱۳۳۰، قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت، به تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنارسید و پس از توشیح شاه، در دهم اردیبهشت به صورت قانون لازم الاجرا درآمد. (۱) اجرای این قانون - که به قانون خلع ید نیز معروف گردید - به عهده ی دولت دکتر محمد مصدق گذاشته شد. مصدق، برنامه ی دولت خود را در یازدهم اردیبهشت به مجلس شورای ملی ارائه کرد و نمایندگان آن دوره از مجلس (دوره ی شانزدهم) نیز در یازدهم همان ماه، با ۹۹ رأی از ۱۰۲ نفر عده ی حاضر، به دولت وی رأی اعتماد دادند. برنامه ی دولت، فقط دو ماده داشت و عبارت بود از:

«۱- اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور، بر طبق قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور، مورخه ی نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ و تخصیص عواید حاصله از آن، به تقویت بنیه ی اقتصادی کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی.

۲- اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها.»

پس از بیان این دو ماده، دکتر مصدق تصریح کرده بود:

«البته نظریات اصلاحی دولت، منحصر به این دو ماده نیست و عجالتاً از ذکر جزئیات صرف نظر و در موقع خود لوایح ضروری را برای اصلاحات لازم تقدیم خواهد نمود و بسیار ممنون و خوشوقت خواهد شد که نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و سنا، راهنماییها و هدایتهای لازم [را] به دولت برای اصلاحات بفرمایند. اساس سیاست خارجی دولت هم، مبتنی بر منشور ملل متحد و تقویت این سازمان بین المللی و دوستی با کلیه ی دول و احترام متقابل نسبت به همه ی ملل می باشد.» (۲)

در ماده ی اول قانون نه ماده ای اجرای ملی شدن صنعت نفت، تشکیل هیئت مختلطی در نظر گرفته شده بود «مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب هریک از مجلسین و وزیر دارایی یا قائم مقام او» که تمام کارهای مربوط به خلع ید از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران را پیگیری کرده و اداره ی شرکت ملی نفت ایران را به عهده بگیرد. (۳) بدین قرار در بیست و دوم اردیبهشت، مجلس سنا و مجلس شورای ملی، نمایندگان خود را برای تشکیل هیئت مختلط به شرح زیر انتخاب کردند؛ از مجلس سنا: مرتضی قلی بیات، دکتر احمد متین دفتری، محمد سروری، ابوالقاسم نجم و دکتر صادق شفق. از مجلس شورای ملی: دکتر عبدالله معظمی، دکتر علی شایگان، اللهیار صالح، حسین مکی و ناصر قلی اردلان.

نمایندگی دولت نیز در هیئت مختلط، مهندس کاظم حسینی، کارشناس نفت و قائم مقام محمد علی وارسته، وزیر دارایی بود. (۴)

در یازدهم خرداد به پیشنهاد دولت و تصویب هیئت مختلط، یک گروه سه نفره به عنوان هیئت مدیره ی موقت شرکت نفت متشکل از دکتر محمود حسابی، رئیس دانشکده ی علوم؛ دکتر محمد حسین علی آبادی، استاد دانشکده ی علوم و مهندس محمد بیات، استاد دانشکده ی کشاورزی برگزیده و آماده ی رفتن به خوزستان شد. دکتر شمس الدین امیر علایی، وزیر اقتصاد ملی نیز با حفظ سمت به عنوان مأمور فوق العاده ی دولت، برای نظارت بر امور استان خوزستان و اجرای قانون خلع ید، انتخاب و با هیئت مدیره همراه گردید. افزون بر این افراد، چند تن از کارمندان عالیرتبه ی وزارت دارایی و بانک ملی، برای انجام امور اداری و مالی، هیئت راهمراهی می کردند. همچنین آقایان خردجو و سمعی،

هیئت مدیره‌ی موقت، اصول توافق با خریداران را برای تصویب به هیئت مختلط پیشنهاد خواهد نمود.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق [امضا] (۱۰)

در نوزدهم خرداد، اعضای هیئت مدیره‌ی موقت و سه تن از اعضای هیئت مختلط نفت، یعنی احمد متین‌دفتری، حسین مکی و ناصر قلی اردلان - که برای همکاری و نظارت بر کار هیئت مدیره‌ی موقت انتخاب شده بودند - (۱۱) به همراه دکتر امیر علایی، در ساعت ۷ بعد از ظهر «با استقبال بی نظیر و ابراز احساسات فوق العاده‌ی اهالی، وارد آبادان شده و مراسم نصب تابلوی هیئت مختلط نفت و افراشتن پرچم ایران را در مرکز اداره‌ی رئیس سابق شرکت نفت» به انجام رساندند. (۱۲) پس از این کار، نوبت به گفتگو با یکی از دریک (Drake) رئیس شرکت نفت و مدیر کل عملیات نفتی در ایران و عراق (۱۹۵۱-۱۹۵۰) فرارسید. بدین منظور در بیستم خرداد نخستین جلسه‌ی گفتگو میان اعضای هیئت مدیره و دکتر امیر علایی با دریک و دو تن از دستیارانش در خرمشهر برپا شد که گزارش آن را، امیر علایی بدین شرح برای نخست وزیر فرستاد:

گزارش امیر علایی [۱۳]

«صبح روز دوشنبه بیستم خرداد ۱۳۳۰، جلسه‌ی مشترک هیئت نظارت و هیئت مدیره‌ی موقت، مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت با حضور این جانب [شمس الدین امیر علایی] تشکیل و به اتفاق آراء، قرار شد اینجانب به اتفاق هیئت مدیره‌ی موقت از آبادان به خرمشهر رفته و ضمن رد باز دیدی که قبلاً در اهواز آقای دریک، رئیس شرکت سابق نفت نموده بود، هیئت مدیره‌ی موقت را هم به مشارالیه معرفی نمایم و ترتیب استقرار آنها را در یک دفتری در مرکز کار شرکت بدهم. به وسیله‌ی تلفن با آقای دریک مذاکره و قرار ملاقات و معرفی برای ساعت ۹/۵ داده شد و از طرف شرکت، دو نفر انگلیسی و همچنین بزرگمهر - که سمت مترجمی داشت - حضور داشته، آقایان دکتر علی آبادی، مهندس بیات و بازرگان، به عنوان اعضای هیئت مدیره‌ی موقت به آقای دریک معرفی شدند و توضیح دادم که برای رد باز دید مشارالیه و معرفی هیئت و آشنایی به اینجا آمده‌ام. آقای دریک، اظهار خوشحالی نمودند و پرسیدند: وظایف این هیئت چیست؟ جواب دادم: اجرای قانون ملی شدن نفت؛ و اضافه نمودم که البته جزئیات انجام وظایف در هر مورد، به اطلاع ایشان خواهد رسید. آنچه مسلم است، هیئت مدیره‌ی موقت وظیفه دارد اساساً در مقررات شرکت سابق نفت و کارمندان آن تغییری ندهد و مقدم بر هر چیزی، مکلف است در بهره برداری و توزیع و فروش، نظارت کامل نماید. آقای دریک، اندکی فکر کرده با تشکر از اینکه قصد ندارند تغییری در مقررات و افراد بدهند، گفتند: من چون مأمور و نماینده‌ی شرکت هستم، چنین اجازه‌ای به ما داده نشده است. فقط می توانم آقایان را به عنوان نمایندگان رسمی دولت ایران بشناسم و در حدود قرارداد ۱۹۳۳ و همچنین در حدود قانون ملی شدن نفت، تا آنجا که منافات با قرارداد ۱۹۳۳ نداشته باشد، همه گونه تشریک مساعی نمایم. البته خارج از حدود قرارداد، محتاج به مراجعه و کسب دستور از مقامات [هیئت] مدیره‌ی شرکت می باشم. اینجانب از ادامه‌ی بحث در این زمینه خودداری کردم و گفتم: فعلاً درخواست من برای تعیین محل کار هیئت مجریه است که جواب آن داده نشد. راجع به نکته‌ای که اشاره نمودید جواب آن را [در آینده] خواهیم داد. آقای دریک گفتند: در همین عمارت که مرکز کار شرکت است، محل مخصوصی از سابق برای رئیس نظارت دولت وجود دارد - که دفتر آقای

تقوی بوده - در اختیار آقایان می گذارم. اگر محل کافی نبود اتاقهای دیگر هم اضافه می کنیم. آقایان کار خود را انجام دهند تا بعد نوحه‌ی عمل معلوم گردد. با این پیشنهاد و تعیین محل موافقت نمود. آقای دریک، محرمانه خواهش کردند آقایان، لطفاً توجه به موقعیت مخصوص و محذورات مخصوص ایشان - که صرفاً نماینده و مأمور شرکت هستند - داشته باشند. ایشان را از اینکه نمی توانند خارج از وظایف و دستورات مربوطه عملی انجام دهند، معذور بدانند. بنابر گفته‌ی آقای دکتر علی آبادی، به آقای دریک گفته شد: می توانند این ملاقات را به مرکز لندن اطلاع و گزارش دهند که مابه قصد اجرای ملی شدن قانون نفت آمده‌ایم.

آقای دریک، توضیح داده اند که چون قسمت عمده‌ی هیئت مدیره‌ی شرکت در راهند، اشکال ندارد آقایان چند روز تأمل بفرمایند تا آنها مطلع شده، تصمیم لازم بگیرند.

در این موقع آقای دریک اضافه نمود که: پنجشنبه‌ی گذشته در ملاقات با آقای سفیر کبیر انگلیس، نگرانی خود را از اینکه در نتیجه‌ی عدم همکاری بعضی مأمورین ایرانی اوضاع رو به وخامت می رفته است، اطلاع داده و گوشزد کرده اینک مخصوصاً بعضی انتشارات غیر صحیح رادیو تهران، باعث تشدید اوضاع ممکن است بشود، این تذکرات را جناب سفیر کبیر به جناب دکتر مصدق اطلاع داده اند و خوشبختانه مؤثر واقع شده، فعلاً وضع امنیت رضایتبخش است. ولی در اثر خونریزی و اعتصاب سابق - چون آثار عصبانیت باقی می باشد - ممکن است سخنرانهای بعدی، تحریکات و اشکالاتی فراهم نماید. اینجانب توضیح دادم: حفظ آرامش خوزستان، وظیفه‌ی شخص من است. همان طوری که در استانداری تذکر داده‌ام، باز تکرار می کنم که امنیت کامل وجود دارد و دولت، مسلط بر اوضاع است. شما هم خوشبختانه تصدیق کردید [که] مباحثات سابق رادیو، عکس العمل قهری تذکاریه‌ها و یادداشتهای شماست که افکار عمومی را منقلب نموده بود. فعلاً ورود مجدد در آن مطلب - که خوشبختانه بدون آثار وخیم پایان یافته - موردی ندارد. اما نقطه‌های دیشب آقایان هیئت نظارت و هیئت مدیره و اینجانب، به طوری که ملاحظه گردید در تمام آنها تأکید به حفظ آرامش و نظم بود و جمعیت هم اطاعت خود را دائماً ابراز می کردند. فعلاً مردم، انتظار اقدامات ما را دارند و باید انتظارات آنها را بر آورد و ضمناً مواظب نظم بود. آقای دریک، خوشحالی و امتنان خود را از آرامش اوضاع و از نقطه‌های دیشب اظهار نمود و گفت: تشکر خود را به لندن و تهران مخابره کرده‌ام.

و اینک امیدوارم آقایان هیئت مدیره، اجازه دهند از حضورشان خواهش کنم از نزدیک باز دید مفصلی از عملیات اداری و فنی شرکت بنمایند تا به وسعت و دقت کار نفت - که کار بس خطرناکی است و در درجات شدید حرارت و فشار زیاد و نهایت دقت صورت می گیرد - واقف شوند و ضمناً متوجه نکات و مشکلات حفظ روابط کارگر و کارفرما در منطقه‌ی خوزستان بشوند. امیدوار است از این اطلاعات، استفاده‌ی شایان در همکاری آتی بشود. آقای دریک، اجازه خواستند رئیس امور اداری و رئیس امور تجاری شرکت را معرفی کنند و یکی از همکاران انگلیسی خود را به عنوان مترجم و رابط در اختیار هیئت مدیره گذارند [و] او وعده دادند، آقایان رئیس فنی پالایشگاه و رئیس فنی حوزه‌ی چاهها را نیز به زودی معرفی نمایند.

آقای دریک، سؤال کرد: اگر مخبرین خبر گزاریه‌ها مراجعه کردند، چه جواب بدهم؟ گفتم: بهتر است فقط بگویید معرفی هیئت به عمل آمد و دفتری در اختیار آنها گذاردم. صلاح شرکت سابق نیز در این است از سایر مطالب چیزی گفته



نشود.

آقای دریک، قبول کردند. مذاکرات در ساعت ده پایان یافت. مهندس بازرگان نیز، متن نخستین دور مذاکرات هیئت مدیره را با دریک و شش نفر هیئت خلع ید و آقای امیر علایی... در جلسه ی اول حضور داشتیم. براساس سابقه ی اداری و از جنبه ی حقوقی مذاکرات، طرف اصلی صحبت، سناتور دکتر متین دفتری بود. «(۱۴) با وجود این به نظر می رسد شادروان مهندس بازرگان در هنگام بازگویی خاطرات خود، به سبب گذشت بیش از چهل سال از ماجرا و کهنوت سن، دچار اشتباه شده و نخستین جلسه ی گفتگو در بیستم خرداد را با جلسه ی دوم آن در بیست و یکم خرداد خلط کرده است. زیرا نه تنها در گزارش امیر علایی سخنی از حضور اعضای هیئت مختلط و سناتور متین دفتری به میان نیامده، بلکه در چاپ «بخشی از مذاکرات هیئت ایرانی در جلسه ی دوم (بیست و یکم خرداد ۱۳۳۰) با مستر دریک به نقل از صورت جلسه ی مذاکرات به خط آقای مهندس بازرگان»، آمده است که دریک به سناتور متین

دفتری گفت: «خیلی مایلم تا حدودی که اطلاع داشته باشم، به جنابعالی کمک و راهنمایی نمایم. ولی چون در جلسه ی دیروز - که با حضور آقای امیر علایی بوده - تشریف نداشتید، توجه به محذور و اشکال من نفرمودید.» (۱۵) باری، پس از پایان گفتگوهای دور اول، پرچم ایران بر فراز ساختمان مرکزی شرکت نفت در خرمشهر به اهتزاز درآمد که چگونگی آن را، امیر علایی در پایان همان گزارش، این چنین شرح داده است:

«پس از توقف مختصر در دفتر کار جدید هیئت مدیره، به اتفاق به عمارت شهرداری رفتیم تا به هیئت نظارت، جریان را گزارش دهیم. مذاکرات، مورد تأیید قرار گرفت و مقرر شد جریان را به عرض نخست وزیر برسانم. در جلسه ی مشترک مطالب دیگری نیز مورد بحث قرار گرفت که شرح آن جداگانه به عرض خواهد رسید. پس از جلسه ی مشاوره، اولین تصمیم کمیسیون راجع به نصب تابلوی هیئت مدیره ی موقت و پرچم ایران در عمارت مرکزی شرکت در خرمشهر، با تشریفات طبیعی شورانگیزی - که توأم با احساسات اهالی بود - انجام یافت و اینجانب نطقی ایراد کردم. پس از آن - در حالتی که سرود ملی ایران

توسط گارد دریایی نواخته شد - پرده از تابلو برداشته شد و پرچم ایران بر فراز محل کار شرکت سابق نفت افزاشته شد و احساسات شدید مردم، به این تشریفات خاتمه داد. گاو و گوسفند هم قربانی شد.»

در پی دومین جلسه گفتگوی اعضای هیئت خلع ید با دریک در بیست و یکم خرداد، هیئت مدیره‌ی موقت در بیست و دوم خرداد، نامه‌ی زیر را به دریک نوشت و او را به همکاری با هیئت مدیره فراخواند.

«وزارت دارایی، رونوشت نامه‌ی شماره ۴، مورخ ۱۳۳۰/۳/۲۲، شرکت ملی نفت ایران

آقای دریک! در تعقیب مذاکرات حضوری صبح روز سه شنبه ۲۱ خرداد ماه لزوماً به اطلاع می‌رسانیم:

مطابق ماده‌ی ۴ قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت، چون از تاریخ ۲۹ اسفند - ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلس سنا نیز رسیده است - کلیه‌ی درآمد نفت و محصولات نفتی، حق مسلم ملت ایران است؛ دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط، به حساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط، باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیئت عامله، در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید. بنابراین لازم است دستور دهید:

اولاً حساب کلیه‌ی درآمد نفت و محصولات نفتی را از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تا تاریخ آگهی مذکور در جزو دوم این تذکاریه، فوراً به نظر هیئت مدیره‌ی موقت برسانند و وجوه حاصله از فروش را، اعم از فروش در داخله و خارجه، پس از وضع مخارج در اختیار هیئت بگذارند.

ثانیاً برای اینکه تا تعیین خریداران سابق مطابق ماده‌ی ۷ قانون و احراز هویت آنها وقفه در صدور مواد نفتی حاصل نشود، موافقت شده است که تا یک ماه از تاریخ آگهی - که از طرف هیئت مدیره‌ی موقت صادر می‌شود - طبق برنامه‌ی موجود شرکت سابق، نفت در مقابل اخذ رسید به خریداران سابق داده شود؛ ولی خریداران مکلف خواهند بود در این مدت به هیئت مدیره‌ی موقت مراجعه نموده، ترتیب پرداخت قیمت مواد نفتی را - که در مدت مذکور برده‌اند - به نرخ عادلانه بین المللی بدهند. به این منظور، باید فوراً دفتری برای نظارت صادرات در آینده تشکیل و در هر صورت، وجوه حاصله از آن در اختیار هیئت مدیره‌ی موقت گذاشته شود. بدیهی است هیئت مدیره، موافقت دارد از کلیه‌ی وجوه حاصله تا ۲۵٪ در یک بانک مرضی الطرفین، برای ادعاهای احتمالی شرکت سابق ودیعه گذاشته شود.

ثالثاً چون هیئت مختلط منتخب از مجلسین باید در امور بهره برداری نظارت نماید، لازم است ترتیبی بدهید که این نظارت خود را عملی کنند.

هیئت مدیره‌ی موقت امور اجرای قانون ملی شدن صنعت (۱۶) [نفت]؛ از آن سو اعضای هیئت مدیره‌ی موقت «در خرمشهر با کمال جدیت با اولیای ساکن شرکت نفت مشغول مذاکره و تشکیل سازمان اداری» بودند و مردم نیز «با کمال بی‌صبری منتظر حصول نتیجه و حاضر برای هر نوع فداکاری» البته «نظم و آرامش کامل در شهر حکمفرما» بود و همه‌ی اهالی، صمیمانه با هیئت مدیره همکاری می‌کردند. (۱۷) در آبادان نیز در روز جمعه بیست و چهارم خرداد «بنا به دعوتی که از طرف کارمندان ایرانی شرکت سابق نفت در باشگاه ایران به عمل آمد، از طرف... امیر علایی و... دکتر متین دفتری، نطقهایی ایراد که از طرف متجاوز از پنج هزار نفر مدعوین با ابراز احساسات شدید توأم گشت و تأیید گردید. (۱۸)

دریک - که طی دو جلسه دیدار و گفتگو با اعضای هیئت خلع ید به نتیجه‌ی

دلخواه نرسید و با دیدن تظاهرات و استقبال مردم و نبودن قانون کاپیتولاسیون در ایران به هراس افتاد - برای کسب دستور و مشورت با مقامات شرکت نفت، چند روز به لندن رفت و پس از بازگشت نرم تر شد و حتی اظهار تمایل کرد با هوایمهای اختصاصی شرکت، تأسیسات نفت خوزستان را به اعضای هیئت مدیره نشان دهد تا عظمت دستگاه را به رخ آنان کند و آنها را در اداره‌ی آن تأسیسات بزرگ دچار تردید کند. (۱۹) با این همه، شرکت نفت انگلیس و ایران حاضر نبود تأسیسات نفت را به هیئت مدیره‌ی موقت تحویل دهد. اعضای هیئت خلع ید نیز، مصمم بودند قانون ملی شدن صنعت نفت را اجرا کنند. بدین منظور، بران شدند که با یک اقدام عملی دست شرکت سابق نفت را از منابع عظیم نفتی و تأسیسات و نهادهای مربوط به آن کوتاه کنند و بدین سان، وظیفه‌ی خود را به انجام رسانند. این تصمیم مهم، سرانجام در صبح روز بیست و نهم خرداد صورت تحقق به خود گرفت و طی مراسم ساده و در عین حال پر شور و افتخار آمیزی، مهندس بازرگان، پشت میز دریک قرار گرفت و بی درنگ پرچم ایران بر فراز ساختمان اداره‌ی مرکزی شرکت سابق نفت در خرمشهر برافراشته شد و تابلوی هیئت مدیره‌ی موقت به جای تابلوی ریاست شرکت نفت انگلیس، نصب گردید. (۲۰)

همان روز دکتر سید حسین فاطمی، معاون نخست وزیر، تلگراف زیر را - که دربرگیرنده‌ی خلاصه‌ی تصمیمات دولت و هیئت مختلط نفت در جلسه بیست و نهم خرداد بود - برای هیئت مدیره‌ی موقت شرکت ملی نفت ایران فرستاد:

«نخست وزیر، تلگراف به خرمشهر، هیئت مدیره‌ی موقت شرکت ملی نفت ایران

شماره‌ی ۲۹۴۰ - ۳۰/۳/۱۰۳۰

تلگراف به استانداران - استانداری

خلاصه‌ی تصمیمات دولت و هیئت مختلط در جلسه‌ی چهارشنبه ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰، عیناً تلگراف می‌شود: دستور فرمایید مراتب را به آقایان فرمانداران نیز اطلاع دهند.

چون هیئت نمایندگی شرکت سابق نفت، با تقاضاهای هیئت نمایندگی ایران موافقت ننمود و پیشنهادهایی کرد که با قوانین مربوط به ملی شدن صنعت نفت مبیانت داشت، جلسه‌ی هیئت دولت از ساعت هشت صبح امروز با حضور آقایان اعضای کمیسیون مختلط، تشکیل و تصمیمات ذیل در تکمیل مقررات ششگانه‌ی سابق اتخاذ گردید:

۱- تصمیمات و دستورات هیئت مدیره یا مدیر عامل شرکت سابق نفت، از این به بعد قابل اجرا نیست؛ مگر اینکه آن تصمیمات و دستورات، به امضای هیئت مدیره‌ی موقت شرکت ملی نفت ایران نیز رسیده باشد.

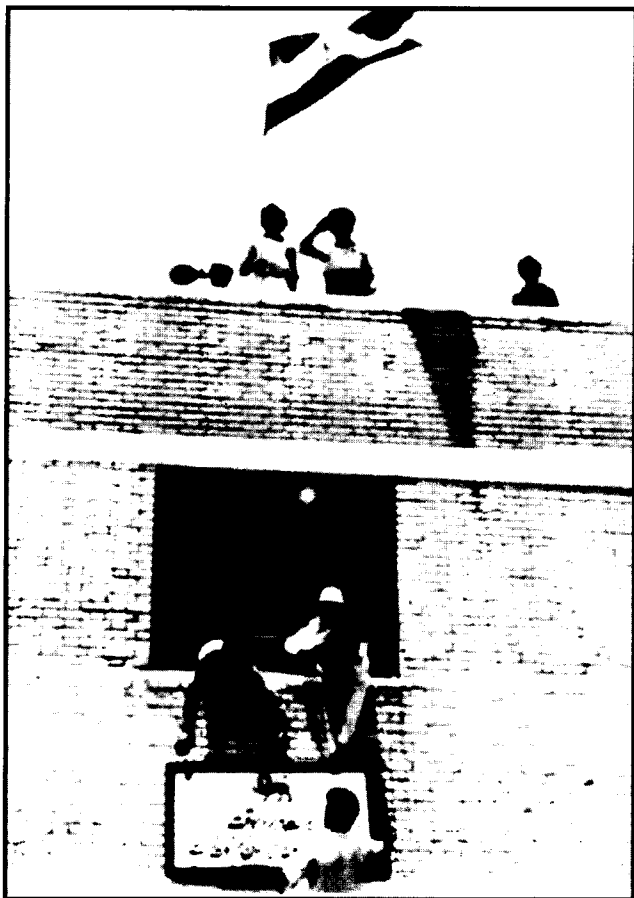
۲- مأمورینی برای خلع ید در قسمت نفت شاه و تصفیه‌خانه‌ی غرب تعیین شدند.

۳- مأمورینی برای قسمتهای مختلف شرکت سابق در مرکز و فروشگاهها انتخاب شدند.

۴- دستور داده شد که اداره‌ی اطلاعات شرکت سابق نفت منحل شود.

۵- دستور داده شد که در همه جا، نام شرکت سابق به نام شرکت ملی نفت ایران تبدیل گردد.

۶- عواید فروش نفت، از این به بعد در همه جا باید فقط به شعبات بانک ملی ایران، به حساب شرکت ملی نفت ایران گذاشته شود و در صورت نبودن



شعبه‌ی بانک، به صندوق دارایی محل تحویل گردد.»
از طرف نخست وزیر - دکتر حسین فاطمی (۲۱)

به دنبال تلگراف مزبور، دکتر مصدق نیز طی تلگرافی به هیئت مدیره‌ی موقت، به آگاهی همگان رساند: «برطبق ماده‌ی ۲ مقررات مصوب هیئت مختلط، هیئت مدیره‌ی شرکت ملی نفت ایران، کلیه‌ی اختیارات لازم برای اداره‌ی امور شرکت اعم از اکتشاف و استخراج و تصفیه و توزیع و فروش و بهره‌برداری خواهد بود و مؤسسات تابعه‌ی شرکت سابق، باید کلیه‌ی دستورالعمل‌های هیئت مدیره‌ی موقت را اجرا نمایند.» (۲۲) پس از این تلگراف، دکتر مصدق در نامه‌ای به رضا سردار فاخر حکمت، رئیس مجلس شورای ملی نوشت:

«ریاست محترم مجلس شورای ملی! در این موقع که به موجب قوانین مصوبه برای ملی کردن صنایع نفت، دولت اقدام به خلع ید شرکت سابق نفت جنوب کرده و وضع ید بر کلیه‌ی مؤسسات نفت نموده است، برای جلوگیری از پیشامدهای احتمالی و سد هرگونه ایجاد مانع و خلل در راه موفقیت دولت به حسن انجام کار، ماده‌ی واحده زیر را تقدیم مجلس شورای ملی می‌نماید و تصویب آن را با قید دو فوریت تقاضا دارد:

ماده‌ی واحده

از تاریخ تصویب این قانون تا مدت یک سال، هرکس که در عمل بهره‌برداری صنایع نفت ملی ایران با قصد سو و خیانت عملیاتی نماید که منجر به قطع لوله‌های نفت و یا از کار افتادن کارخانه‌ها و ماشین‌های تصفیه و یا وسایط نقلیه‌ی نفت و یا حریق در چاه‌ها و مخازن نفت و یا تخریب خط یا تونل و پل و یا وسایط نقلیه‌ی راه آهن بشود، محکوم به حبس موقت با ۱۲۴ اعمال شاقه یا اعدام خواهد گردید. مجازات محرکین و معاونین جرم، مجازات مجرم اصلی خواهد بود و به این جرایم در دادگاه‌های نظامی رسیدگی خواهد شد.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

وزیر دادگستری - [علی] هیئت

در جلسه‌ی پنجشنبه ۳۰/۳/۳۰، از طرف آقای وزیر دادگستری تقدیم گردید و به واسطه‌ی کافی نبودن عده، تعیین تکلیف فوریت به بعد موکول گردید.» (۲۴)

همچنین، در همان روز هیئت مدیره‌ی موقت، به دستور دکتر مصدق نخستین اعلامیه‌ی خود را به شرح زیر منتشر کرد و وضع کارمندان و کارگران شرکت سابق را روشن نمود:

«به شکر پروردگار بزرگ، اینک که اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت، وارد مرحله‌ی قطعی شده و دولت شاهنشاهی، با پشتیبانی ملت غیور ایران دستور داده است هیئت مدیره‌ی موقت با مشورت و نظارت هیئت محترم مختلط، کلیه‌ی امور اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری و توزیع نفت را زیر نظر بگیرد، مراتب ذیل به کلیه‌ی کارمندان و کارگران شرکت سابق نفت و به اهالی عزیز خوزستان اعلام می‌شود:

۱- از کارمندان و کارگران انتظار دارد و عده‌های خدمتگزار و فداکاری مکرر خود را عملاً به ثبوت رسانده، با منت‌های کوشش و مراقبت و دلسوزی و انضباط، و وظایف سابق خود و وظایفی را که احیاناً در پست‌های مجاور بلا تصدی مانده باشد، انجام دهند.

۲- کلیه‌ی کارمندان و کارگران شرکت سابق اعم از ایرانی و خارجیانی که صمیمانه حاضر باشند زیر نظر هیئت مدیره‌ی ایرانی و وظایف خود را انجام دهند،

مستخدم دولت ایران و همکار ارجمند ما محسوب شده، می‌توانند مطمئن باشند که در صورت خدمت صادقانه، در حقوق و مزایا و حیثیات آنها، کوچک‌ترین خللی وارد نخواهد شد.

۳- کارمندان و کارگران خارجی - که در سر پست‌های خود باقی بمانند و صادقانه خدمت نمایند - مورد احترام و محبت ایرانیان قرار خواهند گرفت و لازم است کارمندان و کارگران ایرانی، آنها را همکار صمیمی خود و مستخدم دولت ایران شناخته، از مهربانی و مهمان‌نوازی چیزی فروگذار ننمایند.

۴- نسبت به کارمندان و کارگران خارجی - که مایل باشند ایران را ترک نمایند - هیچگونه اکراه و آزاری به عمل نیامده، با حسن مشایعت، وسایل عزیمت و تصفیه حسابشان به عمل خواهد آمد.

۵- کارمندان و کارگران ایرانی نیز، لازم است در این موقع که تحت لوای واحد و برای هدف ملی مشترکی خدمت می‌نمایند، سوابق سوء اعتماد و کدورت و تقار را بکلی کنار گذارده، قلم عفو بر گذشته بکشند و برای آینده‌ی درخشان میهن عزیز، دست برادری و صمیمیت به یکدیگر بدهند.

۶- نظر به اینکه حفظ نظم و آرامش در این موقع باریک، نهایت ضرورت را دارد، از کلیه‌ی اهالی محترم و کارمندان و کارگران عزیز، توقع داریم شخصاً در حفظ آرامش و نظم ساعی بوده، در موقع لزوم با مأمورین انتظامی صمیمانه همکاری نمایند.

۷- چنانچه احیاناً افراد و اشخاصی بخواهند در این موقع حساس سوء

بجز راس و کاکس آبادان را ترک کردند و با کشتی به کشور خود بازگشتند و مراکز حساس شهر، مانند نیروگاهها، پستهای توزیع برق و آب و بیمارستانها را بدون اختطاری قبلی رها کردند و آبادان را به صورت شهری آشفته درآوردند. (۲۹) دیگر «کارمندان انگلیسی باقیمانده در مناطق نفتخیز [نیز] تا روز دوشنبه ۴ شهریور مناطق نامبرده را ترک نموده، پستها را بلاسرپرست و برای اشغال ایرانیها خالی گذاشتند؛ بی آنکه کوچک ترین مراسم تحویل و تحول» را به عمل آورند. (۳۰)

با این همه، به قول مهندس بازرگان: «به فضل خدا و همکاری ملت ایران، وقتی انگلیسها رفتند، کار هیچ بخشی متوقف نشد و توزیع آب و برق و رساندن نفت و بنزین و گاز و تیل به سراسر کشور ادامه یافت و برعکس آنچه در یک، هیئت مدیره را به آن تهدید می کرد، پالایشگاه آبادان به کار افتاد و دستگاههای تصفیه، راه اندازی شد (۳۱) و به طور کلی خروج انگلیسها بدون هیچگونه حادثه و تغییری در وضع خواربار و برق و آب و حمل و نقل و دستمزد و غیره، صورت گرفت و پستهای اصلی به دست کارمندان ایرانی بلافصل سپرده شد.» (۳۲)

به این ترتیب، خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران، با موفقیت به پایان رسید و کارشناسان و مهندسان و کارگران ایرانی، توانستند ماشین عظیم و سنگین صنعت نفت را به راه اندازند و بدون یاری انگلیسها از آن بهره برداری کنند. گفتگو درباره ی آثار و نتایج خلع ید از شرکت استعماری نفت، مجال دیگری می خواهد. (۳۳) اهمیت و ارزش پیروزی ملت ایران در ملی کردن صنعت نفت و ماجرای خلع ید، به اندازه ای بود که به رغم تلاشهای فراوان دولت استعمارگر و شکست خورده ی بریتانیا، نه تنها ایران در دنیای آن روز منزوی و منفور نشد، بلکه توانست اعتبار و حیثیت زیادی به دست آورد؛ تا آنجا که دیوان بین المللی لاهه، به حقانیت ایران رأی داد و شورای امنیت سازمان ملل متحد، شکایت انگلستان را از دولت ایران وارد ندانست. دریغا که با کودتای بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲، انگلیسها، به یاری و همراهی امریکاییها دوباره به ایران بازگشتند و قرارداد کنسر سیوم را به دولت برخاسته از کودتا تحمیل کردند. با وجود این، استعمارگران هرگز نتوانستند آثار نیک ملی شدن صنعت نفت را در ایران از بین ببرند و مانع از گسترش آن در میان ملت‌های استعمار زده شوند.

استفاده ای نمایند و انضباط و حسن جریان امور را مختل سازند، مواجهه با عکس العمل شدید هیئت مدیره قرار خواهند گرفت و به مأمورین انتظامی، در این زمینه دستورات لازم داده شده است.»

هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران (۲۵)

آبادان ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰

یک روز پس از صدور اعلامیه ی مزبور، هیئت مدیره در پاسخ به پرسشهای اعضای رده بالای ایرانی شرکت نفت درباره ی چگونگی ادامه ی خدمتشان، به آگاهی آنان رساند که همگی می توانند همچنان به کار خود ادامه دهند و دستورهای مربوط به کار را از رؤسای انگلیسی دریافت کنند و اگر هیئت مدیره دستوراتی داشته باشد، از طریق مستر راس (Ross)، رئیس پالایشگاه آبادان و مستر کاکس (Cox)، رئیس مناطق نفتی اعلام خواهد کرد. در میان انگلیسها، این دو نفر یعنی راس و کاکس با هیئت مدیره فعالانه همکاری می کردند و در برخورد با مسائل و تصمیم گیریهای فنی، با اعضای آن مشورت می نمودند. (۲۶)

در همان روز، یعنی سی ام خرداد، دکتر علی آبادی نیز به نمایندگی از سوی هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران، در نامه ای به دریک، به آگاهی وی رساند که می تواند در شرکت ملی نفت ایران به خدمت خود ادامه دهد؛ به شرط آنکه «تحت نظر هیئت مدیره ی موقت و طبق تصمیمات اخیر دولت و هیئت مختلط» انجام وظیفه کند. اما چون پس از پنج روز پاسخی از دریک به هیئت مدیره نرسید، علی آبادی، در نامه ای دیگر به وی گوشزد کرد، چون برای هیئت مدیره، کار کردن با مدیر عاملی «که خود را مسئول او نداند، امکان ندارد و ادامه ی این وضعیت موجب اختلال امور مؤسسات نفت خواهد شد، لذا برای آخرین دفعه به شما اختطاری می شود، چنانچه تا روز پنجشنبه ششم تیر ماه جاری ... جواب مثبت ندهید و به هیئت مدیره تمکین ننمایید، هیئت شما را مستعفی شناخته، جانشین شما را معین خواهد کرد.» (۲۷)

اما نه تنها دریک به کار خود در شرکت نفت ادامه نداد، بلکه در پنجم تیر همه ی کارمندان انگلیسی ساکن در آبادان، استعفای دسته جمعی خود را به هیئت مدیره دادند (۲۸) و سرانجام در یکی از روزهای گرم تیر ماه، همه ی آنان

«اسناد پیوست»

سند شماره ۱

هیئت مختلط (نظارت در اجرای ملی شدن صنعت نفت)، شماره ۱۲۱، ۳۰/۳/۲۱

جناب آقای نخست وزیر - محترم مأ به استحضار خاطر شریف می رساند:

در جلسه هیئت مختلط، اشخاص زیر برای کمیسیونهای مختلف در نظر گرفته شده اند:

۱- برای کمیسیون قضایی

آقایان دکتر محمد حسین علی آبادی، دکتر یاد، دکتر حسینی، دکتر پورهمایون، دکتر شیدفر، دکتر قاسم زاده و یک نفر از قضات عالی مقام که از دیوان کشور بایستی تقاضا شود و همچنین یک نفر از کانون و کلای عدلیه.

۲- برای کمیسیون مشاوره فنی

آقایان مهندس صفی اصفیا، مهندس بیانی، مهندس مزدا، مهندس ترابی، مهندس خلیلی، مهندس بلالی، دکتر سبحانی، مهندس سیف الله معظمی، مهندس احمد رضوی، مهندس حق شناس، دکتر فرشاد [و] مهندس طالقانی.

۳- برای کمیسیون حسابداری و امور مالی

آقایان نیساری معاون بانک ملی، آقای عرفانی، سجادی زاده و دو نفر دیگر با نظر وزارت دارایی. خواهشمند است دعوتنامه اشخاص نامبرده تهیه و به امضای جنابعالی صادر شود که هر چه زودتر کمیسیونها تشکیل و مورد استفاده واقع گردد.

رئیس هیئت مختلط - اللهیار صالح [امضا] (۳۴)

سند شماره ۲

وزارت دارایی، رونوشت نامه شماره ۴ مورخ ۱۳۳۰/۳/۲۲ شرکت ملی نفت ایران آقای دریک - در تعقیب مذاکرات حضوری صبح روز سه شنبه ۲۱ خرداد ماه، لزوماً به اطلاع شما می رسانیم: مطابق ماده ۴ قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت، چون از تاریخ ۲۹ اسفند - ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلس سنانیز رسیده است - کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است، دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط، به حساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیئت عامله، در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید. بنابراین لازم است دستور دهید:

اولاً حساب کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی را از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تا تاریخ آگهی مذکور در جزو دوم این تذکاریه، فوراً به نظر هیئت مدیره موقت برسانند و وجوه حاصله از فروش را، اعم از فروش در داخله و خارجه، پس از وضع مخارج در اختیار هیئت بگذارند. ثانیاً برای اینکه تا تعیین خریداران سابق مطابق ماده ۷ قانون و احراز هویت آنها، وقفه در صدور مواد نفتی حاصل نشود، موافقت شده است که تا یک ماه از تاریخ آگهی - که از طرف هیئت مدیره موقت صادر می شود - طبق برنامه موجود شرکت سابق، نفت در مقابل اخذ رسید به خریداران سابق داده شود، ولی خریداران مکلف خواهند بود در این مدت به هیئت مدیره موقت مراجعه نموده، ترتیب پرداخت قیمت مواد نفتی را - که در مدت مذکور برده اند - به نرخ عادلانه بین المللی بدهند. به این منظور، باید فوراً دفتری برای نظارت صادرات در آینده تشکیل و در هر صورت وجوه حاصله از آن، در اختیار هیئت مدیره موقت گذاشته شود. بدیهی است هیئت مدیره، موافقت دارد از کلیه وجوه حاصله تا ۲۵٪ در یک بانک مرضی الطرفین، برای ادعاهای احتمالی شرکت سابق و دیعه گذاشته شود.

ثالثاً چون هیئت مختلط منتخب از مجلسین باید در امور بهره برداری نظارت نماید، لازم است ترتیبی بدهید که این نظارت خود را عملی کنند.

هیئت مدیره موقت امور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت (۳۵)

سند شماره ۳

نخست وزیر، تلگراف به خرمشهر، هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران

شماره ۲۹/۴۰ - ۳۰/۳/۱۳۳۰

تلگراف به استانداران - استانداری

خلاصه تصمیمات دولت و هیئت مختلط در جلسه چهارشنبه ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰، عیناً تلگراف می شود. دستور فرمایید مراتب را به آقایان فرمانداران نیز اطلاع دهند.

چون هیئت نمایندگی شرکت سابق نفت با تقاضاهای هیئت نمایندگی ایران موافقت نمود و پیشنهادهایی کرد که با قوانین مربوط به ملی شدن صنعت نفت مابینت داشت، جلسه هیئت دولت از ساعت هشت صبح امروز با حضور آقایان اعضای کمیسیون مختلط تشکیل و تصمیمات ذیل در تکمیل مقررات ششگانه سابق اتخاذ گردید:

۱- تصمیمات و دستورات هیئت مدیره یا مدیر عامل شرکت سابق نفت، از این به بعد قابل اجرا نیست؛ مگر اینکه آن تصمیمات و دستورات به امضای هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران نیز رسیده باشد.

۲- مأمورینی برای خلع ید در قسمت نفت شاه و تصفیه خانه غرب تعیین شدند.

۳- مأمورینی برای قسمتهای مختلف شرکت سابق در مرکز و فروشگاهها انتخاب شدند.

۴- دستور داده شد که اداره اطلاعات شرکت سابق نفت، منحل شود.

۵- دستور داده شد که در همه جا، نام شرکت سابق به نام شرکت ملی نفت ایران تبدیل گردد.

۶- عواید فروش نفت، از این به بعد در همه جا باید فقط به شعبات بانک ملی ایران به حساب شرکت ملی نفت ایران گذاشته شود و در صورت نبودن شعبه بانک، به صندوق دارایی محل تحویل گردد.

از طرف نخست وزیر - دکتر حسین فاطمی (۳۶)

سند شماره ۴

نخست وزیر، تلگراف آقای امیر علایی از آبادان، [خرداد ۱۳۳۰]

جناب آقای نخست وزیر! دیروز صبح سرکنسول انگلیس در شهر خرمشهر از بنده وقت ملاقات خواست که آقایان دکتر متین دفتری، مکی و اردلان نیز حضور داشته باشند. در فرمانداری حاضر شدیم؛ نامه‌ای از طرف سفیر انگلیس در دست داشت که برای ما خواند. مضمون آن، این بود که: اولاً در جراید دیده شده که نوشته اند: مستخدمین انگلیسی باید در خدمت دولت ایران بمانند و ثانیاً نطق‌هایی که در آبادان می شود، تحریک آمیز است. از طرف آقای مکی جواب داده شد که: شما حق ندارید در امور داخلی مداخلت کنید. اگر شرکت سابق نفت صحبت دارد، باید به وسیله وزیر دارایی در تهران به دولت بگویید و اینجا هم کشور هاشمی اردن نیست. اینجا مملکت مستقل ایران است! بنده، گفتم نطق‌هایی که در جواب ابراز احساسات مردم می شود، برای تسکین حرارت مردم است که انتظار دارند هر چه زودتر قانون ملی شدن نفت اجرا شود و به هیچ وجه تحریک آمیز نیست و همه سخنرانیهای ما چاپ می شود. برعکس اگر مردم مأیوس شوند، آن وقت است که ممکن است رشته انتظام گسیخته شود. باز در گفته خود اصرار کرد و تند صحبت می کرد. بنده هم ناچار شدم بگویم که اتفاقاً تحریکات از جانب شما است؛ زیرا همان روز و ساعتی که ما پرچم ایران را بر فراز دفتر کار خودمان بالا می کشیدیم، کشتی جنگی شما در مقابل ما عبور کرد و این عمل، تحریک آمیز بود و بنده شخصاً چون در کابینه آقای علا بودم، مدارکی هست که شما در اعتصابات گذشته تحریک می کردید. بنابراین، چرا به ما نسبت می دهید؟ ایشان گفتند: من به هر حال پیام سفیر کبیر انگلیس را به آقایان می دهم. ما هم گفتیم: ما مسئول نظم محل هستیم و تا حال از اعمال ما، نتیجه بدی که حاصل نشده هیچ، آرامش را هم حفظ کرده ایم و مردم، مطیع ما هستند و ما کاملاً بر اوضاع مسلط می باشیم. پس از این، مذاکرات خاتمه یافت.

مدرک مهمی از تحریکات انگلیسیها از ارتباط محرمانه با دو نفر از اعضای ایرانی شرکت سابق به دست آورده ام که کاملاً می رساند خیال فساد در آتیه دارند و این یادداشتها و ملاقاتهایی که سرکنسول از بنده می کند، برای این است که پس از اجرای نقشه های شوم خود، بگوید شماها تحریکات کردید که این اتفاقات افتاده است. خلاصه برای ما پرونده می سازند. ما هم بایستی با مدارکی که تحصیل می کنیم، رل آنها را عقیم نماییم. یک نامه ماشین شده و دو ورق کاغذ کاربن که در اثر فشار حروف ماشین تحریر جملات بخوبی خوانده می شود، به دست بنده افتاد؛ بدین ترتیب که عین نامه ماشین شده را از داخله خودشان، ایادی که داشته ایم بروده اند و چون نامه دیگری که در تعقیب نامه اولی نوشته شده، کاغذ کاربنی که زیر ماشین تحریر بوده، باقی مانده، بروده اند و چون جملات آن بخوبی خوانده می شود، عبارات رانوشته و ترجمه نموده اند. عین کاربن نیز نزد بنده است. مضمون نامه اولیه، از طرف مدیر کل حمل و نقل شرکت سابق خطاب به گارارژ مرکزی و رئیس ماشینهای باری و رئیس ماشینهای سواری و معاون دفتری رئیس کل و رئیس سرویسهای حمل و نقل نوشته شده، این است که: چون وضع معین نیست، از کارمندان انگلیسی حمل و نقل تقاضا می شود؛ خود را کاملاً حاضر نگاه دارند. آنها که در خانه تلفن ندارند، باید به جایی که تلفن موجود است در موقع اتفاقات بروند و یا در منزل باشند و اگر به خانه ای می روند که تلفن موجود نیست، شماره خانه را گزارش بدهند. تلفن شماره ۶۴۸۹، مرکز گزارشات است که بایستی شماره های تلفن و مکان رفت و آمد کارمندان انگلیسی به این شماره اطلاع داده شود. مکان خود اینجانب [را] - چنانچه در تلفن ۶۴۸۹ نباشم - از تلفن ۲۲۶ ممکن است استفسار نمود. تعویض مکان را به اینجانب گزارش دهید؛ چون ممکن است در صورت وقوع اتفاقات نامعین، راننده انگلیسی لازم باشد. به این جهت نامبر دگان زیر، بایستی هریک پنج راننده انگلیسی - که خارج از اداره حمل و نقل است - در نظر داشته باشند که در صورت لزوم و اتفاق، کمک لازم بنمایند. این قضیه، کاملاً پیش بینی [شده] است. در نامه دیگری که در تعقیب نامه اولی نوشته شده و از روی کاغذ کاربن خوانده شده و ترجمه گردیده، به امضای ا.ج.پ تورن، می نویسد: مایلم اطمینان حاصل کنم که نقشه ای که در نامه مورخ ۵۷/۶/۹ ذکر شده، کاملاً به موقع اجرا گذاشته شود و احتمالاً در نظر داشته باشید که پنج نفر کارمند انگلیسی در موقع لزوم آماده باشند. در حقیقت مایلم که این عده نفر باشند و در بین این اشخاص، کسانی باشند که چنانچه تلفن از کار افتاد، جهت ارتباط بتوانند موتورسیکلت برانند. متمنی است مخاطبین این کارمندان، کد ارائه داده و از ایشان امضا گیرند که نکات زیر کاملاً رعایت شود:

- ۱- محل خود را کاملاً گزارش داده.
- ۲- پنج الی ده نفر راننده در نظر داشته باشند.
- ملاحظه می فرمایند که با این مدارک، دیگر شکی باقی نمی ماند که نقشه شومی برای بلوا و اغتشاش دارند. بنده سعی می کنم تمام عملیات آنها را تحت نظر دقیق قرار دهم و کلیه عملیاتشان را خنثی کنم. اینکه از سخنرانیهای مانگراند، برای آن است که مشاهده می کنند مردم را راهنمایی و هدایت می کنیم و نقشه های خائنانه آنها به تعویق می افتد و اثر عملیاتشان خنثی می شود.
- ۳- به علت مطالب تحریک آمیزی که در روزنامه اخبار روز، چاپ آبادان چاپ می شود، روزنامه مزبور توقیف شد. بنده مصلحت می دانم بعد از چند روز، بر حسب درخواست خودشان، رفع توقیف کنم. نتیجه به عرض خواهد رسید.
- ۴- مستر سادرلر، (۳۷) رئیس کلوپ انگلیسیها در یک محلی به اسم جیم خانه کلوپ، مسخرگیهایی کرده است و تشریفات روز ورود هیئت را به آبادان مورد انتقاد قرار داده و استهزا کرده است. امروز آقای بزرگمهر مترجم مستر دریک می گفت که: مستر دریک از این واقعه مستحضر است. منتها تعجب می کند با این که مستمعین انگلیسی بوده [اند]، چطور ما مستحضر شده ایم و حال آنکه مستمعین ایرانی هم در آنجا



بوده اند. به این جهت شرحی از طرف فرماندار نظامی با ذکر مدارک به شهر بانی نوشته شده و مقرر گردید پس از رسیدگیهای دقیق، جواز اقامت او را باطل کنند.

امیر علایی (۳۸)

سند شماره ۵

هیئت مدیره موقت مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت، شماره ۳۰/۴/۳، ۲۴۰

آقای دریک! نظر به اینکه طبق تصمیمات اخیر هیئت دولت، کلیه تصمیمات و دستورات هیئت مدیره یا مدیر عامل شرکت سابق نفت، از این به بعد قابل اجرا نیست، مگر اینکه آن تصمیمات و دستورات به امضای هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران نیز رسیده باشد، لازم است هیچگونه چکی بدون اطلاع و موافقت این هیئت صادر نشود. بدین وسیله آقای خردجو، حسابدار متخصص هیئت را به عنوان نمایندگی معرفی می نماید تا دستور دهند، ادارات صادر کننده چک با ذکر توضیح لازم، چکها را به نظر و امضای مشارالیه برسانند و ترتیبی اتخاذ نمایند که در پیشرفت کارها وقفه حاصل نشود.

هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران

[حاشیه:] رونوشت، برای استحضار جناب آقای نخست وزیر ارسال می گردد.

هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران - [امضای اعضا] (۳۹)

سند شماره ۶

هیئت مدیره موقت مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت، شماره ۳۰/۴/۹، ۴۱۷

جناب آقای نخست وزیر! به طوری که استحضار دارند، کارمندان انگلیسی مقیم آبادان، استعفای دسته جمعی خود را در تاریخ ۱۳۳۰/۴/۵ تسلیم این هیئت نموده اند و به آنها پاسخ داده شده که لازم است لا اقل تا مدت یک ماه به منظور انجام تشریفات و عملیات تحویل و تحویل مأمورین ایرانی، در پستهای خود باقی باشند.

اگر چه ممکن است این استعفا و تهدید صورت عمل به خود نگرفته و در نتیجه اقداماتی که در جریان است، کارها صورت دیگری پیدا کند، ولی از آنجا که هرگونه پیش بینیهای احتیاطی باید قبلاً به عمل آید و ممکن است تحویل گرفتن کارها و تعویض کارمندان ضرورت فوری پیدا نماید، یکی از اقداماتی که در وهله اول در نظر گرفته شده است، استفاده از کارمندان ایرانی شرکت - که در خدمت نظام وظیفه هستند - می باشد. بنابراین، پیشنهاد و تقاضای نمایندگی تصویب فرمایند:

اولاً کارمندان ایرانی شرکت ملی نفت ایران که در خدمت نظام وظیفه هستند، آماده باشند که به محض احضار هیئت مدیره موقت و اطلاع وزارت جنگ، به محل خدمت خود اعزام شوند.

ثانیاً مدت زمانی که به طور فوق العاده برای انجام وظایف محوله در مأموریت شرکت ملی نفت ایران خواهند بود، جزو خدمت وظیفه آنها محسوب شود.

تمنای عطف توجه فوری داریم.

هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران - [امضای اعضا] (۴۰)

سند شماره ۷

هیئت مدیره موقت مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت، شماره ۵۴۷، ۳۰/۴/۱۱

آقای میسن! عطف به نامه شماره ۱۷۹۰/جی/ام مورخ ۱۳۳۰/۴/۸ که خود را طبق اطلاع رادیو - که اعلامیه جناب آقای وزیر امور خارجه انگلستان را به شرح ذیل نقل کرده بود - به عنوان نماینده شرکت سابق نفت انگلیس و ایران معرفی نموده اید:

نظر به اتهام بی اساس سایوتاژ که بر علیه او ایراد شده و اتمام حجتی که به او نموده اند، دایر بر اینکه باید خدمات خود را تا ۶ تیر/۲۸ ژوئن به شرکت ملی نفت ایران منتقل نماید، شرکت با موافقت کامل دولت (انگلستان) به ایشان دستور داده است که به بصره عزیمت کند و از آنجا به انجام وظایف خود به عنوان رئیس کل شرکت در ایران و عراق ادامه دهد. آقای میسن، به سمت نماینده شرکت در ایران منصوب گردیدند تا اموری را که مستلزم تماس و ارتباط با هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران باشد، انجام دهند.

اشعار می دارد: نظر به اینکه شرکت سابق نفت انگلیس و ایران، دیگر در ایران وجود قانونی ندارد، این هیئت نمی تواند جنابعالی یا شخص دیگری را با حق دخالت در کارهای شرکت ملی نفت ایران به این عنوان بپذیرد؛ ولی چنانچه مایل باشید با سمت سابق وزیر نظر این هیئت انجام وظیفه نمایید، با کمال میل، حسن استقبال خواهد کرد.

هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران

رونوشت شرح فوق، به انضمام رونوشت نامه آقای میسن، برای استحضار جناب آقای نخست وزیر تقدیم می شود.

هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران - [امضای اعضا] (۴۱)

سند شماره ۸

نخست وزیر، شماره ۱۲۵۹/۴، ۳۰/۴/۱۵

هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران

با مشورت هیئت مختلط، تصمیمات ذیل اتخاذ گردید و برای اجرا ابلاغ می شود:

۱- هیئت مدیره موقت، با تشریک مساعی نمایندگان هیئت مختلط تقویت خواهد شد. آقایانی که برای گزارش و کسب دستور به مرکز آمده اند، قریباً مراجعت خواهند کرد. هرگاه هیئت مدیره برای تقویت خود نظریات خاصی داشته باشد، اطلاع دهید، اقدام می شود.

۲- چنانچه تا به حال اقدام نشده، لازم است هرچه زودتر نمایندگان کمپانیهای خارجی را - که پیشنهاد خرید نمودند - تلگرافاً بخواهید و با آنها قرار مقتضی برای خرید و فروش مواد نفتی بدهید.

۳- راجع به خرید اشیای لازم از قبیل دارو، پارچه، روغن نباتی، روغن حیوانی و مواد روغنی مورد احتیاج اتومبیل، کامیون و کارخانجات صنعتی، باید هرچه زودتر اقدام نماید که از این حیث دچار سختی نشویم. قند و شکر و آرد و گندم و چای را وزارت دارایی تهیه کرده، مرتباً به شما خواهد رساند. باقی اشیای مورد احتیاج را، باید خود شما از خارج و داخل تهیه نمایید.

۴- مطالب و اخبار را به وسیله قاصد مخصوص و هواپیمای دولتی - که هر روز بین تهران و خوزستان آمد و رفت می نماید - بفرستید؛ زودتر از تلگراف و وسایل دیگر به مقصد می رسد و جنبه محرمانه ماندن مطالب سری نیز بدین وسیله بیش تر تأمین خواهد شد.

۵- برای حفاظت دستگاههایی که انگلیسیها تخلیه می نمایند و پاک کردن دستگاههای تصفیه - که تعطیل می شود - از گاز و سایر مواد محترقه، اقدامات لازم سریعاً به عمل آورید.

دکتر محمد مصدق [امضا] (۴۲)

سند شماره ۹

هیئت مدیره موقت مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت

شماره ۲۹۱۳، ۳۰/۵/۱۲

جناب آقای نخست وزیر! طبق ماده چهارم قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت، مورخ ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰، از تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹، کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی، حق مسلم ایران است. لذا از طرف نمایندگان مختلط و هیئت مدیره موقت، آقایان خردجو و سمعی - که از حسابداران قسم خورده و از طرف بانک ملی ایران به اختیار هیئت گذارده شده بودند - مأموریت یافته که محاسبه مواد نفتی که از تاریخ ۲۹ اسفند صادر گردیده، دقیقاً رسیدگی و استخراج نمایند.

اینک طبق گزارش حسابداران فوق، از ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تاکنون مقدار ۷۵۱۰۷۴۷ تن نفت خام و مواد نفتی، از خوزستان به خارج صادر گردیده است و البته باید در نظر داشت که از ۵ تیر، دیگر مواد نفتی صادر نگردیده است. قیمت مواد نفتی فوق، به حد وسط نرخ بین المللی خلیج مکزیک، ۱۵۹/۸۴۶/۱۶۵ دلار می باشد. مراتب استحضاراً معروض گردید. صورت ریز آن به پیوست تقدیم می شود.

نمایندگان هیئت مختلط نفت [امضا] هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران

[امضای اعضا] (۴۳)

سند شماره ۱۰

آقایان ناصر فراز مند، گل سرخی، حسین قشقائی؛ رونوشت حضرت آیت الله کاشانی - ادام الله بقائه؛ رونوشت جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر؛ رونوشت جناب آقای اللهیار صالح رئیس هیئت مختلط؛ رونوشت جناب آقای حسین مکی؛ رونوشت جناب آقای مهندس بازرگان

نامه مورخه ۲۱ مرداد و اصل و موجب کمال تعجب گردید. اینجانب مسئول اظهاراتی که مأمورین یا مخبرین خارجی به اینجانب نسبت بدهند، نیستم. اظهاری که اینجانب کرده ام، این بوده است:

وقتی که هیئت اعزامی وارد آبادان شد، به مدیر عامل شرکت سابق مکرر خاطر نشان کردیم که اگر قانون ملی شدن صنعت نفت را محترم بشمارند و از هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران اطاعت و تمکین بکنند و آن را مافوق خودتان بشناسید، هیئت، از لحاظ مصلحت کار و به نفع مؤسسه، به صرافت طبع دخالت در جزئیات امور فنی نمی کند و نظامات جریان امور فنی را - جز آنچه با قانون ملی شدن مغایرت داشته باشد - کماکان ابقا خواهد کرد و این اظهار، کاملاً مطابق تصمیماتی بوده است که از طرف هیئت مختلط با تصویب دولت در تحت چند ماده اتخاذ شده بوده است و اضافه کردم که چون مدیر عامل و سایر رؤسای انگلیسی تمکین نکردند و فقط به قرارداد ۱۹۳۳ استناد می کردند و به مقاومت خود ادامه دادند، مجبور شدیم مدیر عامل شرکت سابق را مستعفی شناخته و به خدمت او خاتمه دهیم. این اظهار، مکرر در حضور اعضای هیئت اعزامی به مستر دریک گفته شده است و در تهران هم به هیچکس غیر از این چیزی نگفته ام. اما مسئله رسید و تشکیل سوء کمسیون، بنده در سوء کمسیون دخالت نداشتم و ندارم. قرار بود جناب آقای دکتر شایگان، بر حسب تقاضای هیئت انگلیسی، مذاکره با متخصص فنی هیئت انگلیسی بکند که آن هم عملی نشد. برعکس از طرف هیئت اظهار شد که مسئله رسید در ماه اول ورود هیئت اعزامی در آبادان و متعاقب آگهی - که خطاب به مشتریان سابق منتشر شد - مطرح بود و اکنون صدور نفت، جز با تأمین پرداخت بهای آن، راه دیگری ندارد.

دکتر متین دفتری [امضا] (۴۴)

سند شماره ۱۱

شرکت ملی نفت ایران، هیئت مدیره موقت، شماره ۵۱۳۸، ۳۰/۶/۱۸

جناب آقای نخست وزیر!

موضوع: وضع مناطق نفتخیز بعد از تخلیه انگلیسیها

به طوری که استحضار دارند، کلیه کارمندان انگلیسی باقیمانده در مناطق نفتخیز، تا روز دوشنبه ۳۰/۶/۴ مناطق نامبرده را ترک نموده،

پستهارا بلاسرپرست و برای اشغال ایرانیها خالی گذاشتند (بدون کوچک ترین مراسم تحویل و تحول). خوشبختانه از هفته قبل در بازدید و ملاقاتی که آقایان بازرگان، فلاح [و] اضیانی در مسجد سلیمان با آقایان نمایندگان هیئت مدیره در مناطق نفتخیز به عمل آورده بودند و مطالعاتی که از اوایل مأموریت در تأمین ضروریات اولیه مناطق شده بود، پیش بینی چنین پیشامد و فکر اشغال پستهارا این هیئت نموده بود.

با مراقبت و جدیتی که از طرف آقایان نمایندگان اعزامی (مهندس همایونفر، مهندس ترابی، دکتر توانا، مهندس اعتصام، مهندس عطائی [و] مهندس آق اولی) و غالب کارمندان ایرانی مقیم محل ابراز می شد، خروج انگلیسیها بدون هیچگونه حادثه و تغییری در وضع خواربار و برق و آب و حمل و نقل و دستمزد و غیره، صورت گرفت و پستهای اصلی، به دست کارمندان ایرانی بلافصل سپرده شد.

در بازدیدی که در روزهای ۷ و ۸ شهریور پس از خروج انگلیسیها به وسیله آقایان مکی، اردلان، بازرگان، فلاح، خردجو و مزدادر نواحی مسجد سلیمان، لالی، آغاچاری [و] هفتگل به عمل آمد و دو نفر از آقایان مهندسین ارشد ایرانی آبادان رانیز همراه برده بودند، نکته فوق و تسلط نمایندگان هیئت بر امور و آرامش اوضاع و روحیه عالی کارمندان و کارگران تأیید گردید و مخصوصاً مشاهده شد که نه تنها سرویسهای اصلی ضروری جریان صحیح خود را به دست ایرانیها ادامه می دهد، بلکه بعضی از چاهها و حتی دستگاههای تقطیر - که سوخت و مصارف مناطق را تأمین می نماید - بخوبی کار می کند.

[حاشیه:] عیناً برای اطلاع و اقدام مقتضی به اداره کل نفت وزارت دارایی ارسال می شود. ۳۰ ۴۶/۶/۱۹

سند شماره ۱۲

شرکت ملی نفت ایران، هیئت مدیره موقت، ۳۰/۷/۴

جناب آقای دکتر [علی اکبر] سیاسی، رئیس محترم دانشگاه تهران!

موضوع - اشتغال موقت در شرکت ملی نفت ایران

عطف به نامه شماره ۱۵۱۸۹ مورخ ۳۰/۶/۲۳ که نظر اینجناب را راجع به مأموریت موقت یک ساله در هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران در زمینه دستوری که جناب آقای نخست وزیر صادر کرده اند، استفسار فرموده اید - اشعار می دارد:

به طوری که استحضار دارید، مأموریت خلع ید در ابتدای امر، یک مأموریت کوتاه تشریفاتی تلقی می شد. ولی جریان امور، رفته رفته دامنه آن را وسیع و روز به روز دقیق تر و طولانی تر نمود. اینجناب در تاریخ ۳۰/۶/۸ از جناب آقای نخست وزیر تقاضا نمودم که چون باید در اول مهر ماه برای انجام وظایف و تعهداتی که در دانشگاه دارم، در دانشکده فنی حاضر شوم، شخص دیگری را منصوب و بنده را از ادامه خدمت معذور فرمایند. نظر به اینکه اوضاع هنوز به صورت قطعی در نیامده و اساسنامه شرکت ملی نفت ایران به تصویب نرسیده است که طبق آن هیئت مدیره دائم انتخاب شود، معظم له از قبول استعفای اینجناب خودداری و به دانشگاه تأکید فرمودند، با یک سال ادامه خدمت اینجناب به طور موقت موافقت نماید.

البته اینجناب در عین آنکه از ارجاع چنین وظیفه خطیر ملی مفتخر می باشم، نهایت تأسف را از عدم انجام وظایف دانشکده ای خود و محرومیت از حضور در شورای دانشگاه و همکاری با آن جناب و استادان محترم دانشگاه دارم. ولی یقیناً تصدیق می فرمایید که در مقابل پیشامد اوضاع و امیدواری بزرگی که تمام افراد مملکت به توفیق در کار نفت دارند، چاره ای جز این نداشته است و خود آقایان، توصیه ای غیر از این به بنده نمی فرمودند.

خوشبختانه در مدت تابستان آقای دکتر بازرگان، معاون دانشکده فنی، بنا به وعده مساعدتی که در موقع انتخاب به معاونت وزارت فرهنگ به اینجناب داده بودند، با صمیمیت و سعی فراوان، امور اداری و تدارکات تعلیماتی دانشکده را با تشریک مساعی آقای دکتر ریاضی، مدیر دروس و سایر آقایان همکاران تعلیماتی و اداری، به وجه مطلوب پیش برده اند و برنامه های سال تحصیلی حاضر، تهیه و توزیع شده است.

راجع به تکلیف دروسی که به عهد اینجناب محول شده است، راه حلی که به دانشکده پیشنهاد نموده و امیدوارم مورد رضایت و قبول آقای سرهنگ کریم نیکو باشد، این است که مشارالیه طبق تصویب قبلی شورای دانشگاه، به عنوان استاد رسمی به دانشگاه منتقل شوند و یا لاقلاً وزارت جنگ، ایشان را برای مدت یک سال از وظایف ارتشی بکلی معاف و به طور موقت به دانشگاه منتقل نماید تا بتوانند دروس اینجناب را نیز عهده دار شوند.

جناب آقای نخست وزیر، وعده فرموده اند در صورت تقاضای آقای سرهنگ نیکو و تأیید دانشگاه، دستور مقتضی به وزارت جنگ صادر فرمایند. نظر به اینکه آقای سرهنگ نیکو در تهران نبودند تا شخصاً مذاکره و جلب نظر ایشان را بنمایم، موضوع را موکول به تصویب قبلی شورای دانشکده فنی و استفسار خود دانشکده نموده ام.

در خاتمه لازم است اضافه نماید که اینجناب حق ریاست دانشکده را از تاریخ انتصاب به معاونت وزارت فرهنگ دریافت نکردم و در مدت سال تحصیلی نیز اگر حقوق استادی را نپردازند، اعتراض و ایرادی نخواهم داشت.



با تقدیم احترام فائقه - مهدی بازرگان (۴۶)

رونوشت، برای اطلاع دانشکده فنی ارسال می شود.

سند شماره ۱۳

نخست وزیر، شماره ۲۰۵۶/۴، ۳۰/۶/۲۴

هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران، عطف به گزارش ۵۱۳۸ به تاریخ ۳۰/۶/۱۸، راجع به وضع مناطق نفتخیز بعد از تخریب انگلیسیها، از اقداماتی که از طرف آن هیئت برای اداره این مناطق به عمل آمده، رضایت حاصل است. متمنی است در آخر هر هفته، گزارشی از وضع هریک از آن مناطق تهیه و به اداره کل نفت ارسال دارید که مطالعه نموده و اهم مطالب آن را به استحضار اینجانب برسانند.

نخست وزیر (۴۷)

[حاشیه: رونوشت، برای اطلاع اداره کل نفت ارسال می شود.

پی نوشت ها :

- ۱- درباره ی چگونگی قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت، بنگرید به: محمدعلی موحد: خواب آشفته ی نفت، دکتر مصدق و نهضت ملی ایران، نشر کارنامه، تهران ۱۳۷۸، ج اول، ص ۱۵۷.
- ۲- مرکز خدمات اطلاع رسانی نهاد ریاست جمهوری (م.خ)، ۹۴۸۳، گزارش مجلس شورای ملی از تصمیم قانونی دایر بر ابراز رأی اعتماد به دولت جناب آقای دکتر محمد مصدق، به امضای رضا سردار فاخر حکمت، رئیس مجلس شورای ملی، به شماره ی ۱۶- ۳۰/۲/۲۵۲۹.

- ۳- برای آگاهی از متن قانون مزبور، بنگرید به: سرهنگ غلامرضانجانی: مصدق، سالهای مبارزه و مقاومت، مؤسسه ی خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۷۷، ج اول، ص ۲۶۲.
- ۴- پیشین، ص ۲۶۹.
- ۵- برای آگاهی از محاسبه ی حسابداران مزبور درباره ی مقدار نفتی که از بیست و نهم اسفند ۱۳۲۹ تا مرداد ۱۳۳۰ به خارج از کشور صادر شده بود، بنگرید به: اسنادیومست، سند شماره ی ۹.
- ۶- شصت سال خدمت و مقاومت (خاطرات مهندس مهدی بازرگان در گفتگو با سرهنگ غلامرضانجانی)، مؤسسه ی خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۷۷، ج نخست، صص ۲۷۳ - ۲۷۲.



- ۷- پیشین، صص ۲۷۶-۲۷۳.
- ۸- بنگرید به: سند شماره ی ۱۲.
- ۹- روزنامه ی اطلاعات، سال ۲۵، هجدهم خرداد ۱۳۳۰، شماره ی ۷۵۳۹.
- ۱۰- م.خ، ۱۰۰۹۸.
- ۱۱- شصت سال خدمت: همان، ص ۲۷۹.
- ۱۲- سازمان اسناد و کتابخانه ی ملی ایران (س.ا.ا) اسناد نفت، ۲۸۵ و آب ۱۸۴ و آب ۲۹۰۰۰۰۱۸۴.
- گزارش فرمانده ژاندارمری کل کشور، سرتیپ میرفندرسکی به وزارت کشور در بیست و سوم خرداد ۱۳۳۰، شماره ی ۱۵۰۵.
- ۱۳- م.خ، ۱۰۰۹۸، این گزارش، پیش از این در کتاب زیر و بالندکی اختلاف بامتن حاضر چاپ شده است؛ دکتر شمس الدین امیر علایی: خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران، انتشارات دهخدا، تهران ۱۳۵۷، صص ۶۲-۵۸.
- ۱۴- شصت سال خدمت: همان، ص ۲۸۱.
- ۱۵- پیشین، ص ۲۸۲.
- ۱۶- م.خ، ۸۲۶۵.
- ۱۷- س.ا.ا، ۲۹۰/۱۲۸۶، گزارش روز بیست و سوم خرداد، از خرمشهر به تهران.
- ۱۸- پیشین، گزارش تلگرافی روز بیست و چهارم خرداد، از آبادان به تهران.
- ۱۹- شصت سال خدمت: همان، ص ۲۸۳.
- ۲۰- پیشین، صص ۲۸۵-۲۸۴.
- ۲۱- م.خ، ۱۰۰۹۸.
- ۲۲- م.خ، ۱۰۰۹۸، تلگراف نخست وزیر به خرمشهر، ۳۰/۳/۲۹.
- ۲۳- اصل: به.
- ۲۴- م.خ، دکتر مصدق در هفتم تیر، به سبب وساطت سفیر امریکا، این لایحه را از مجلس پس گرفت تا کارمندان انگلیسی، آن را دستاویز خودداری از همکاری قرار ندهند؛ محمدعلی موحد: پیشین، ص ۱۶۲.
- ۲۵- م.خ، ۱۰۰۹۸.
- ۲۶- شصت سال خدمت: همان، ص ۲۸۵.
- ۲۷- م.خ، ۸۲۶۵، نامه ی شماره ی ۲۲۴ هیئت مدیره ی موقت به دریک در سوم تیر ۱۳۳۰.
- ۲۸- م.خ، ۸۲۶۵، نامه ی شماره ی ۴۱۷ مورخ ۳۰/۳/۲۹.
- ۲۹- شصت سال خدمت: همان، ۲۸۵.
- ۳۰- م.خ، ۸۲۶۵، نامه ی شماره ی ۵۱۳۸ هیئت مدیره به نخست وزیر در ۳۰/۱۶/۲۸.
- ۳۱- درباره ی سروسامان دادن به کارها و چگونگی راه اندازی پالایشگاه، بنگرید به: شصت سال خدمت، همان، صص ۲۹۶-۲۸۶.
- ۳۲- م.خ، ۸۲۶۵، همان.
- ۳۳- در این باره، بنگرید به: شصت سال خدمت، همان، صص ۲۹۳-۲۹۲.
- ۳۴- م.خ، ۱۰۰۹۸.
- ۳۵- پیشین، ۸۲۶۵.
- ۳۶- همان، ۱۰۰۹۸.
- ۳۷- اصل: مستر صادر.
- ۳۸- همان، ۸۲۶۵.
- ۳۹- همان، همانجا.
- ۴۰- همان، همانجا.
- ۴۱- همان، ۱۰۰۹۸.
- ۴۲- همان، ۱۹۱۷.
- ۴۳- همان، ۸۲۶۵.
- ۴۴- همان، همانجا.
- ۴۵- همان، همانجا.
- ۴۶- همان، همانجا.
- ۴۷- همان، همانجا.

نمونه ۱۰

شماره ۵۶ پیوست به فقره طرح



مجلس شورای ملی
قانونگذاری

اداره هیئت منوط

مورخه ۱۳۳۱/۳/۷

خیابان کت در

در تقسیم نامه شماره ۶ این هیئت در امر به تأیید موارد منوطانه ضمیمه نامه شماره ۲۰/۱/۲۱

۷۵۳ کت درری:

۲۰/۲/۲۶

ازین سه فقره طرح که در هیئت منوط مورد بحث و گفتار گردید شرح دل
لفظ انبار نمود:

۱- طرح قطعی مواد منوطانه مذکور که مار، دجری ام بعنوان ماده شش بان علاوه گردیده
و حضوراً با تکمیل جابجایی رسیده است.

۲- طرح چهار ماده راجع بیکدیگر هیئت دربره کت و در نظایف ان.

۳- طرح اظهارات خیابانی در رد ادعای درآمدین طایفه بنامینده کت سالی گفت.

پس هیئت منوط - اللہ صالح

محمد علی



طرح چهار ماده راجع به یکین هیئت مدیره موقت در وظائف آن

۱- هیئت مدیره موقت مرکب از آن یان :

بمجرد اتمام وظائف حرکت بخیرستان حرکت نمایند که طبق مواد تشکیل دهنده راجع به اجرای ماده ۲ قانون مصوب نیم اردی بهشت ۱۳۳۰ با نظارت هیئت مصلحت عمل نمایند .

۲- در حکم ماموریت هیئت نامبرده که با مضامین خراب آنی که در صورت صادر می شود تصریح خواهد گردید که در مقام تابع حرکت سابق تحت باید از این تاریخ کتبه دستور العملهای هیئت مدیره موقت را ارجا دهند نمایند . در حکم مزبور همچنین خبر نوعیت هیئت نامبرده بلافاصله بر سبیل رادیو و مطبوعات منتشر خواهد شد .

۳- در موضوع حقوق و عوارض هر یک هیئت مدیره موقت نظر خود را با اطلاع دولت مریسند تا دستور مقتضی صادر شود .

۴- هیئت مدیره موقت باید سر بهی فراهم نماید که در توزیع دافع خلی وارد نماید .

تاریخ ۱۳۳



هیئت مختلط

(نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت)

۱ / ۸ ۵۵
۸

طرح بودجه

- ۱- برادر اجوی ماده ۲ قانون چهارم شهریور سن ۱۳۰۲ صنعت نفت و در دوره موقت شرکت ملی نفت ایران بیشتر رقب از شرکت نفت ایران است بدین موقت از طرف دولت انتخاب شوند که با نظارت هیئت مختلط سهام و حیفه نمایند.
- ۲- هیئت منبر در اداره هیئت مختلط در دوره بودجه بود.
- ۳- مادام که این شرکت ملی نفت ایران بصورت بریده است ملاک عمل هیئت در دوره موقت تعورات شرکت سابق (فریخته) با قانون ملی شدن صنعت نفت تعاریف داشته باشد.
- ۴- کارخان و کارمندان و کارگران در این چرخه شرکت سابق نفت کارخان برکت



هیئت مختلط

(نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت)

۱۲

هیئت مختلط بهیار عالی عمده

خود با دارایی تاریخ مستقیم نفت ایران شخته میزند .

۵- هیئت دیره وقت باید نهایت وقت بعضی در عملگر برانده که موجود در فروش
 معمولت نفتی تعمیر گردد به طوری که میزان استخراج دایره بر دله ز زمین قطع بیشتر شود .

۶- بر این سبب نرخ عادلانه بین اسم تصفیه و غیره در صادرات نفت و قفله و تصفیه در حال
 هیئت دیره وقت مکلف است بحفظ درود و تحریکات عملی در ایران خاصه مشرف نماید این مصون
 که در ظرف مدت یکماه طبق برانده موجود شرکت سابق نفت در تعمیر اخذ رسید بحکم در آن سابق
 مورد نظر داده خواهد شد . خمداران در این مدت مکلفند بر این هیئت دیره وقت بر عهد عوده
 ترتیب برده قیمت مورد نظر را که در مدت مذکوره کرده اند برانده و همچنین بر این اساس حقوق
 مذکوره در ماده ۷ قانون نیم اردیبهشت ۱۳۳۰ در ترتیب بود فروش نفت در آن مه موافقت
 هیئت دیره رجب نمایند . هیئت دیره وقت اصول توافق با خمداران را بر این سبب



تاریخ ۱۳
شماره
پرینت

جلسه فوق العاده دولت ساعت ده بعد از ظهر روز دوشنبه سی و یکم تیرماه / ۱۳۲۰
در منزل آقای دکتر صدق تشکیل گردیده ابتدا آقای صالح گزارش ملاقات نمایندگان
هیئت مختلط و آقای وزیر دارائی را با مستر هریمان نماینده رئیس جمهوری اسپانیا
توضیح داده و گفتند که متن صورت جلسه صبح که بایشان داده شد قبول کردند
مخاطب آن را با اطلاع دولت انگلستان برسانند، در اینک دولت انگلستان قبل از اعزام نمایندگان
خود قبولی اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران را رسماً اعلام نماید عنون آقای هریمین
افزوده کرده اند که : ((من بدولت انگلیس صورت جلسه هیئت دولت را اطلاع میدهم
و بآنها میگویم که دولت ایران حاضر است راجع بطریقه اجرای قانون تأانیجا که مربوط
بمنافع انگلیس است وارد مذاکره شود))

جلسه اخیر پیشنهادی آقای هریمین مورد موافقت دولت قرار گرفت و آقای وزیر راه بواسطه
تفهن این موافقت را با ایشان اعلام نمودند .

Handwritten signatures and notes. Includes a signature of 'مهندس' (Engineer) and 'دکتر صدق' (Dr. Sadegh). A note reads: 'بسمه ای که منافع ایران تمام است' (In the name of that which is the complete interest of Iran). Other signatures include 'مهندس' and 'دکتر صدق'.

تاریخ و شماره

شماره
تاریخ

دولت شاهنشاهی ایران خوشوقت است که برطبق فرمول مورخه دوشنبه ۳۱ تیر ۱۳۲۰ مطابق ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۱ که بجناب آقای مریم دادیه بود دولت پادشاهی انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت سابق نفت اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران برسمیت می‌نماید و انتظار دارد که این شناسایی رسمی بصورت علنی در معرض اطلاع عمومی گذارده شود. و نیز خوشوقت است که دولت انگلستان قصد دارد هیئتی را جهت وکالت از طرف شرکت سابق نفت برای مذاکره با دولت و مقامات صلاحیتدار متهران اعزام دارد و در همین حال هیئت مزبور را به طریق اجرای قانون تأیید کرده که مربوط به منافع متقابل دو کشور است با دولت ایران وارد مذاکره شود دولت ایران معتقد است که تأسیس در خوزستان وجود ندارد و تعیین دارد شناسایی رسمی اصل ملی شدن صنعت نفت محیط مساعدتری بوجود خواهد آورد تا با روح صمیمت و حسن نیت مذاکراتی که در فوق بیان اشاره شده جریان یابد.

دولت شاهنشاهی ایران
 وزارت معادن
 تهران
 ۳۱ تیر ۱۳۲۰
 به جناب آقای مریم دادیه
 وزارت معادن
 لندن
 ۳۱ تیر ۱۳۲۰

Khorramshahr,
25th June, 1951.

No. GM/1784.

To Engineer Bazorgan.
Engineer Bayat.
Dr. Ali Abadi.

Dear Sirs,

We have for acknowledge -
ment your letter No. 133 of the
22nd June 1951, in which you ask
us to arrange for the necessary
measures to be taken to ensure the
availability and delivery of the
necessary oil requirements of the
country.

We would assure you that
the necessary measures are already
being taken in this regard.

Yours faithfully,
For ANGLO-IRANIAN OIL CO. LTD.,

GENERAL MANAGER.

خرمشهر ۳/۵/۱۳۳۰
شماره ۱۷۸۴/جی ام

آقایان مهندس سبازرگان

مهندس سباحت
دکتر علی آبادی

محترماً بدینوسیله وصول نامه شماره ۱۳۳
مورخه ۲۱ خرداد ۱۳۳۰ را که طی آن از این
شرکت درخواست گردید و کلیه تدابیر لازم برای
تامین و تحویل مواد نفتی مورد احتیاج کشور را
شود اعلام میگردد.

بدینوسیله اطمینان میدهم که تدابیر لازم
در این مورد اتخاذ میگردد.

باتقدیر احترامات فائقه
از طرف شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران

رئیس کل